

پرورنده روز: ما از غزه چه می‌دانیم؟ خبرنگاران میدانی باید چگونه عمل کنند؟

خبرنگار بحران توریست‌نپست



مهرداد جلیل‌زاده خبرنگار گروه فرهنگ

عبارت «خبرنگاری بحران» یک اصطلاح کاملاً ایرانی است و در تم‌های شناخته‌شده جهانی، چنین اصطلاحی به کار نمی‌رود. معمولاً منظور ایرانی‌ها از خبرنگار بحران کسی است که هنگام بروز هر حادثه بحرانی، به‌طور میدانی در صحنه حضور دارد وقایع رایبی‌واسطهٔ گزارش می‌کند.از آنجایی‌که گسترش فضای مجازی باعث شده تا هنگام وقوع هر بحران، خبرهای راست و دروغ متنوعی به گوش مخاطبان برسد، یک خبرنگار میدانی که در صحنه حاضر است می‌تواند به‌عنوان تریبون رسمی، اخبار موثق‌تری به اطلاع مخاطبان برساند و به‌علاوه، آنچه گزارش می‌کند امکان راستی‌آزمایی هم دارد. اصطلاح خبرنگاری بحران در ایران با کتایی که حسن قربانی به همین نام نوشت، بیشتر شناخته شد و جا افتاد. در توضیحات این کتاب آمده‌است: «رسانه‌ها، همان‌طور که بحران‌زدایی می‌کنند، قادرند در جریان بحران‌زایی نیز نقشی برعهده بگیرند، اما در این کتاب تلاش شده است به بخش نخست، یعنی بحران‌زدایی و نقش رسانه و خبرنگاران اشاره

داستان دیرینه خبرنگاری جنگ

اگر بخواهیم ریشه‌شناسی کنیم، ابتدای خبرنگاری جنگ به دوران ماقبل تاریخ برمی‌گردد؛ یعنی زمانی که انسان‌ها روایت‌شان از شکار را روی دیوارها نقاشی می‌کردند. حتی پیدایی تاریخ هم به گزارشگری جنگ مدیون است؛ چه اینکه روایت‌های گفتاری از نبرد‌های بزرگ و کوچک نقطه شروع سنت شفاهی تاریخ را تشکیل داد و پس از آنکه خط اختراع شد، این روایت‌ها شکل مکتوب و منسجمی به خود گرفتند. روایت هرودوت از جنگ‌های ایران و یونان شبیه روزنامه‌نگاری است، اگرچه او خودش در این رویداد‌ها شرکت نداشت. پس از آن یک ژنرال آتنی به نام توسیديد که تاریخ جنگ پلوپونز را نوشت، فرمانده و ناظر وقایعی بود که شرح داد. او را به‌کارگیری استناداردهای سختگیرانه بی‌طرفی و گردآوری شواهد و تحلیل‌های علت و معلولی، بدون اشاره به مداخله خدا.یان، به عنوان پندر «تاریخ علمی» لقب داده‌اند و کاری که کرد باعث شد تا با توسعه این تخصص، خاطرات

یکشنبه ۳۰ مهر ۱۴۰۲

شماره ۳۹۸۷

www.fdn.ir

فاریختگان

FARHIKHTEGANDAILY

خبرنگاری میدانی؛ ابیدها و نباید‌ها

خبرنگاران میدانی افرادی هستند که حین وقوع داستان‌های داغ، در محل حضور دارند و آنها را پوشش می‌دهند. آنها اغلب اولین پاسخ‌دهندگان به سوالات عمومی درباره رویداد‌های مهم هستند؛ رویداد‌هایی مثل بلایای طبیعی، اعتراضات و موقعیت‌های دیگر که در آن نیاز فوری به اطلاعات وجود دارد. گزارش دهی میدانی به ترکیبی منحصربه‌فرد از مهارت‌ها نیاز دارد. شما باید بتوانید به سرعت، در حالی که همچنان روی پای خود ایستاده‌اید، فکر کنید و در عین حال که وسط یک وضعیت معشوش و بحرانی هستید، در گزارشگری خود دقیق و کامل باشید. ممکن است ساعت‌ها منتظر باشید تا اتفاق جالبی بیفتد، اما وقتی این اتفاق افتاد، باید آماده باشید تا وارد عمل شوید و داستان را در سریع‌ترین زمان ممکن منتشر کنید.

خبرنگاران میدانی دارای طیف گسترده‌ای از مسئولیت‌ها هستند که می‌توانند شامل موارد زیر باشد:

- مصاحبه با افراد در خانه یا مکان‌های دیگر برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد تجربیات و نظرات آنها در مورد یک موضوع
- انجام تحقیقات برای جمع‌آوری قریایق و آماری که روایت آنها را تایید می‌کند
- گزارش اخبار فوری در زمان وقوع اتفاقات؛ اغلب در زمان واقعی
- انجام مصاحبه با صاحب‌نظران حوزه کاری خود برای ارائه تحلیل کارشناسانه رویداد‌های جاری. به عبارتی سپردن تحلیل رویداد‌ها به کارشناسی‌های فنی
- گزارش زنده از اخبار فوری برای برنامه‌های تلویزیونی یا خبرگزاری‌ها
- انجام تحقیقات برای روایت‌های خبری و توسعه ایده‌های روایی برای سردبیران
- ارائه به روزرسانی‌های دمورد پیشرفت یک روایت در حین توسعه آن، چه از طریق گزارش‌های مکتوب و چه از طریق حضور در میدان



اولین گزارش یک زن از جنگ در نظر گرفته می‌شود. توصیف او از وقایعی که در خانه مارشال رخ داده، تحسین برانگیز است زیرا او در بحبوحه نبرد حضور داشت. یکی از اولین خبرنگاران جنگ هنری کراب رابینسون بود که مبارزات پائلتون در اسپانیا و آلمان را برای روزنامه تایمز لندن پوشش داد. یکی دیگر از خبرنگاران اولیه جنگ ویلیام هیکس بود که نامه‌های او در توصیف نبرد ترافالگار (۱۸۰۵) در تایمز منتشر شد. وینستون چرچیل، نخست‌وزیر معروف بریتانیا در سال ۱۸۹۹ که به عنوان خبرنگار کار می‌کرد، به عنوان یک اسیر جنگی فرازی بدنام شد. فیلم‌های خبری اولیه و اخبار تلویزیونی به ندرت خبرنگاران جنگی داشتند. در عوض، آنها به سادگی فیلم‌های ارائه‌شده توسط منابع دیگر که اغلب دولتی بود را جمع‌آوری می‌کردند و مجری اخبار روایت خودش را به تصاویر اضافه می‌کرد. این فیلم‌ها اغلب به دلیل بزرگ و حجیم بودن دوربین‌های فیلمبرداری، تا قبل

از به‌بازر آمدن دوربین‌های کوچک و قابل حمل، کم‌تعداد بودند. همزمان باوق شدن جنگ و پتنام، زمانی که شبکه‌های تلویزیونی از سراسر جهان به همراه خبرنگاران‌شان، فیلمبرداری با دوربین‌های قابل حمل فرستادند، وضعیت به‌طور چشمگیری تغییر کرد. این برای ایالات متحده آسیب‌زا بود زیرا توتش ارتش آمریکا به یکی از عناصر روزانه در اخبار تبدیل شد. تا قبل از جنگ غزه در اکتبر ۲۰۲۳، در میان جنگ‌های اخیر، جنگ کووژو، جنگ خلیج فارس (حمله آمریکا به عراق در ۱۹۹۰) و جنگ روسیه و اوکراین، بازتاب خبری زیادی یافته‌اند. در مقابل، بزرگ‌ترین جنگ در نیمه آخر قرن بیستم که جنگ ایران و عراق بود، پوشش بسیار کمتری دریافت کرد. همان‌طور که گزارشگری مکتوب از جنگ، نوعی تاریخ‌نگاری یا فراهم‌کننده مواد اولیه برای تاریخ‌نگاری است، گزارشگری تصویری از آن هم نوعی مستندنگاری بصری به حساب می‌آید که در تاریخ ثبت خواهد شد.

علاوه‌بر اینها می‌توان به چند موردی اشاره کرد که یک خبرنگار میدانی باید از آنها اجتناب کند:

پرهیز از خودنمایی: خبرنگار رسمی باید تفاوت محسوس خود با بلاگرهای فضای مجازی را حفظ کند؛ مخاطب قرار است میدان وقایع را ببیند نه شخص خبرنگار را.

بزرگنمایی از خطر یا تزریق هیجان کاذب که برای به دست آوردن مخاطب انجام شوند؛ کار خبرنگار میدانی با فعال فضای مجازی و اصحاب رسانه‌های زرد که از هر رفتندی برای دیده شدن استفاده می‌کنند، متفاوت است. اگر خبرنگار در لحظه‌ای حساس در یک محل مهم حاضر نبود یا نتوانست اتفاق جالبی را ضبط کند، نباید این خلارا با فریب و جعل اخبار یا صحنه‌سازی‌های کاذب جبران کند.

عدم آگاهی و اشراف نسبت به موضوع بحران و مختصات میدان؛ وقتی مخاطب به عنوان خواننده یا بیننده گزارش حس کند کسی که از میدان گزارش می‌دهد، نسبت به موضوع و مکان آگاه نیست، نه تنها ارزشی برای اطلاعات گزارش قائل نخواهد شد، بلکه اعتبار آن فرد گزارشگر و

ماجرای می‌شوند و از کارهای میدانی که باید انجام دهند، غفلت می‌کنند. یکی دیگر از آسیب‌هایی که دمورد پوشش خبری بحران وجود دارد «شوهت در موقعیت بودن» است که بین برخی خبرنگاران وجود دارد. می‌گویم شوهت چون به‌صورت‌آزرجره‌می خواهند در آن موقعیت باشند. این از نظر روانشناختی بیشتر از آنکه معطوف به خود اتفاق و گزارشی از آن اتفاق باشد به شخصیت و هویت آن خبرنگار برمی‌گردد، یعنی خبرنگار بیشتر از آنکه بخواهد در بحران باشد و به این فکر کند که در آن موقعیت چه می‌خواهد بکند؛ به فکر این است که چطور می‌خودش را به بنای یک قهرمان آدم نرسد به دیگران معرفی کند. اتفاقاً مشکل از همین جاشروع می‌شود که خبر و اتفاق در اولویت دوم قرار می‌گیرد. این معضل مهمی درباره تمام خبرنگاران است؛ ایرانی و غیرایرانی هم ندارد. این میل به معرفی خود، متأثر از فضای شبکه‌های اجتماعی به وجود آمده و به‌نظرم بخش خطرناک خبرنگاری در بحران است. چون همان‌طوری که Mainstream ذهن را جهت می‌دهد، شبکه‌های اجتماعی و جمع‌کردن فالوور هم تا خودآگاه این فرد به‌عنوان یک خبرنگار شکل می‌دهد و در بعضی مواقع هم به‌خوشایند دنبال‌کنندگان، اخبار را سانسور می‌کنند. اتفاقا خبرنگاری که به دل بحران می‌زند اما در فضای مجازی ظهور و بوزی ندارد، خبرنگار قابل اعتماد و مطمئن‌تری است نسبت به کسی که از بدو ورودش استوری و پست می‌گذارد و توییت می‌زند. خبرنگار جنگ که قرار نیست مثل توریست عمل کند و هر آنچه که در اطراف رخ می‌دهد را پست و استوری کند. اتفاقاً این جنس افراد، خبرنگار بحران نیستند، توریست بحران هستند. کار توریست عکس گرفتن با بنای تاریخی است و حالا اینجا عنوان خبرنگار جنگ را بدیک می‌کشد. این خبرنگار در موقعیت بحرانی حضور پیدا کرده‌تا با خرابی‌ها و بازنح دیگران هویت کسب کند. این فرد نه‌تنها خبرنگاری جنگ نیست، بلکه توریست رنج و تولیدر جنگ است. متأسفانه جاهایی می‌بینیم که خبرنگارهای جنگ در پوشش اخبار، هیچ شرافتی نسبت به رنج بشریت ندارند و آن خبرنگاری که در شهر خودش نشسته و تحقیق می‌کند شرافت دارد نسبت به این مدل توریست بحران.

از اینکه دنبال جمع‌آوری اطلاعات باشد به دنبال شواق حضور در آن منطقه بود و دیگری خبرنگار پژوهشگر. اولی تمام فکتی که می‌آورد از اطرافش بود و دومی به‌جای عکس یادگاری و فیلم گرفتن از موقعیتی که بود، تمرکزش را روی پژوهش و گفت‌وگو با قشرهای مختلف گذاشته بود، چون منطقه افغانستان را هم می‌شناخت. در نهایت خروجی این دو با هم مغایرت پیدا کرد؛ اولی جامعه اطراف خودش را فکت محض می‌دانست و کسی هم که او حرف بزند می‌گوید من آنجا بودم و می‌دانم، اما دومی نسبت به آن مسئولیت‌آگاه بود و باتمام اقتدار آنجا گفت‌وگو کرده و پالس‌های مختلف را جمع می‌کرد. این مثال را برای فلسطین این روزها می‌زنم. شما بگویید اکثریت خبرها و گزارش‌های میدانی که در آنجا هستند درباره چیست؟ درباره بیمارستان، کشتن مظلومانه مردم غزه و جنایات رژیم صهیونیستی. این مثال را می‌زنم که متوجه شوید این هم فقط مختصر رسانه ایرانی نیست و مشکلی است که در جامعه جهانی نسبت به خبرنگار بحران وجود دارد. اطلاعاتی که رسانه‌های بزرگ مثل الجزیرو باقیه می‌دهند، تنها معطوف به بحث‌های احساسی است و آن را بزرگ می‌کنند. این حرف به‌معنای این نیست که نباید این بخش از جنگ روایت شود اما سوالم این است که آیا این کافی است. خبرنگاری که الان در غزه است، وظیفه‌اش این است که وضعیت ذهنی و روانی مردم فلسطین در این حملات را نسبت به این حملات گزارش کند. آن هم نه فقط از یک طریق بلکه از مسیریهای مختلف. این مساله که گفتیم هم یک معضل جهانی است. آن هم برمی‌گردد به خاستگاه رسانه‌های جریان اصلی (Mainstream) که متمرکزروی احساس است تا گزارش واقعیت. یک بار دیگر تاکید می‌کنم که در پوشش اخبار جنگ، باید کشتار مردم غزه را هم دید اما حرف اصلی این است که اگر بحث نسل‌کشی وجود دارد، برای مخاطب ایرانی و جهانی لازم است ابعاد دیگر جنگ هم مطرح شود مثل اینکه بداتیم نگاه مردم فلسطین به اسرائیل چیست؟ راه‌حل مردم فلسطین حالا پس از این مصیبت‌ها چیست؟ و به‌عبارتی صدای مردم فلسطین باشد و نظرات‌شان را ارائه دهد. اما خبرنگار‌ها اصولاً وقتی در موقعیت قرار می‌گیرند، بحران زده می‌شوند، احساساتی می‌شوند، درگیر آن بحث احساسی و بحرانی

ادامه در صفحه ۱۳